

اصول حاکم بر روند دادرسی عادلانه

قاسم مرادی^۱

چکیده:

دادگاه‌ها برای تأمین عدالت و حل اختلاف تشکیل شده‌اند. بنابراین در عملکرد خود باید هدف اساسی در نظر داشته باشند. دادگاه‌ها مهم‌ترین نقش را در تحقق اهداف قوه قضائیه دارند و برای این‌که اهداف بیش از پیش تأمین شوند باید برخی اصول را رعایت کنند تا سلامت رسیدگی و عدالت تصمیمات را بیش از پیش تضمین می‌کند. حقوق اشخاص در دادرسی کیفری جزء طبیعی و ذاتی نوع بشر است و چیزی نیست که دولت مردان به مردم واگذار کرده باشند و بتوانند از آنان سلب نمایند. لذا بر حاکمان است که تدابیر لازم جهت رعایت و حمایت آن فراهم نمایند و امکانات لازم در اختیار متهم بگذارند، تا بتوانند در صورت بی‌گناهی از اتهامات ناروا تبرئه شود. دادرسی عادلانه یا منصفانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیت دار، مستقل، بی‌طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است. بنابراین، این هدف باید در جزء جزء فرآیند دادرسی رعایت شود. بر این اساس، برخی اصول در دادرسی‌ها تعیین شده است که رعایت آن‌ها عدالت را تأمین می‌کند.

واژگان کلیدی: اصول حاکم بر دادرسی، اصل برائت، اصل تساوی، اصل علنی بودن، اصل استقلال و بی‌طرفی

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران
moradi0467@gmail.com

مقدمه:

درک هر جامعه از مفهوم عدالت به تناسب فرهنگی که دارد از دیگر جوامع متفاوت است، اما آنچه از نگاه فلسفه حقوق اهمیت دارد این است که عینیت یافتن عدالت نیازمند قانون و قاعده است. نظر به اجتناب ناپذیر بودن اختلاف باورها، ارزشها و آرمانهای میان جوامع مختلف بشری و بین اعضا و گروههای یک جامعه، تنها راه حصول اطمینان از اجرای عدالت آن است که این اصل در قالب موازین و قواعدی روشن تشخیص و تعیین پیدا کند و به نحو منصفانه تفسیر و اجرا گردد، ولی اطمینان از اینکه وضع قانون و تفسیر و اجرای آن چنان نتیجه ای را به بار می آورد خود در گرو دسته ای دیگر از قواعد و آیینها است که به نوبه خود تأمین کننده اعتبار و مشروعیت تقنین و قضاوت در باره اجرای قانون است، یعنی قواعدی که بر سیستم حقوقی حاکم است و گاه در نظر برخی از حقوقدانان از آن به قواعد ثانوی تعبیر شده است.

اهمیت این قواعد ثانوی اگر بیش از قواعد اولی نباشد به یقین کمتر از آن نیست، زیرا بدون رعایت این قواعد اطمینان به تضمین عدالت ماهوی مورد نظر در قواعد اولی حاصل نخواهد شد. قواعد ثانوی بیانگر آیین و ساز و کارهای درست قانونگذاری و اجرا است. از این رو از آن به معیارهای شکلی عدالت نیز تعبیر میگردد و عدالت حاصل از آن عدالت شکلی یا آیینی نامیده میشود.^۱

اصل بنیادین حق دادرسی منصفانه و عادلانه حق همه افراد متهم به جرم کیفری است که بی گناه فرض شوند تا زمانی که گناهکاری آنها مطابق با قانون بعد از یک دادرسی عادلانه ثابت شود. امنیت قضایی متضمن به کارگیری اصولی است که نظام قضایی، در مقابل حل و فصل دعاوی و صدور حکم، حقوق افراد را به نحو شایسته تضمین و عدالت را به اجرا درآورد. هیچ دادگاهی برگزار نمی شود مگر برای آن که حقی را ستانده و به صاحبان حق برگرداند و

۱. فضا ئلی، مصطفی، جایگاه و اصول دادرسی عادلانه در حقوق بشر و دکتربین قضایی اسلام، فصلنامه

پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۳

در این مسیر عادلانه بودن آن دادگاه باید به عنوان یک الزام در نظر گرفته شود و این مهم محقق نمی‌شود مگر به واسطه رعایت اصول دادرسی عادلانه تمامی دادرسی‌هایی که صورت می‌گیرد برای تشخیص حق از باطل و اجرای عدالت است. بنابراین هدف باید در جزء جزء فرآیند دادرسی رعایت شود. بر این اساس، برخی اصول در دادرسی‌ها تعیین شده است که رعایت آن‌ها عدالت را تأمین می‌کند. اجرای عدالت، هدف نهایی هر دادرسی است و دادرسی عادلانه یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های سنجش توسعه اجتماعی و قضایی هر جامعه به‌شمار می‌آید. ارزیابی عادلانه بودن دادرسی تنها از طریق تعریف استانداردهایی به‌عنوان حداقل‌های لازم برای عادلانه شمرده شدن روند آن دادرسی امکان‌پذیر است.^۱

اصول زیر را به‌عنوان اصولی که دادگاه‌ها در دادرسی مکلف به رعایت آن‌ها هستند، می‌توان نام برد: اصول استقلال و بی‌طرفی دادگاه‌ها، مساوات در رفتار با طرفین دعوی، علنی بودن دادرسی، قانونی بودن دادگاه‌ها و رسیدگی به آن، توافقی بودن رسیدگی، اصل حاکمیت اصحاب دعوی، اصل توجیه رأی، اصل حق اعتراض به رأی و ...^۲.

پیشینه دادرسی عادلانه

۱- پیشینه دادرسی عادلانه در حقوق موضوعه

مطالعه پیشینه با سیر تحول تاریخی دادرسی عادلانه ما را در یافتن بینشی صحیح و تحلیلی درست از موضوع کمک می‌کند. بنابراین لازم است تا قبل از ورود به بحث، تاریخچه‌ای مختصر از دادرسی عادلانه ارائه کنیم. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که بر اساس اعتقاد دیرینه ملت ایران به حکومت حق و عدل قرآن در پی انقلاب اسلامی و با رأی مردم رسمیت یافت. تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مهمترین گام برای استقرار حاکمیت قانون پس از انقلاب اسلامی بوده

^۱. مهرعلیان، اردشیر، بررسی تطبیقی دادرسی منصفانه و عادلانه طبق استانداردهای بین‌المللی و ملی، دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق، ۱۳۹۴

^۲. خدیری، صالح، دادرسی منصفانه در داوری تجاری بین‌المللی، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲، ۱۳۹۴، ص ۵۲۸

است. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی از جمله مهمترین وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است. همچنین تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و تضمین امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون از وظایف جمهوری اسلامی ایران است (اصل ۹ قانون اساسی).

قوانین عادی نیز بر اساس موازین اسلامی اصول دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته‌اند. هر چند در قوانین و مقررات داخلی ایران واژه دادرسی عادلانه تصریح نشده است لیکن اصول مختلف آن و تضمینات عمومی و کیفری دادرسی با نگاه اسلامی در قانون اساسی و قوانین و مقررات عادی مورد تصریح قرار گرفته است. ضمانت اجرای تضمین اصول مربوط به دادرسی عادلانه مقرر در قانون اساسی در قوانین عادی مشخص شده است.

در قوانین عادی شرایط و نحوه تضمین اصول دادرسی عادلانه و ضمانت اجرای کوتاهی مقامات قضایی در اجرای وظایف خود مشخص شده است (ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری) همچنین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ در بردارنده اصول متعدد دادرسی عادلانه است. همچنین بی‌طرفی و استقلال کامل مراجع قضایی (ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری) اصل برائت و رعایت حریم خصوصی (ماده ۴ قانون آ. د. ک) تفهیم اتهام و اطلاع از حق دسترسی به وکیل (ماده ۵ قانون آ. د. ک) از جمله این اصول می باشد^۱.

روزگاری بس طولانی، تفکر حاکم بر نقش متقابل اصحاب دعوا و قاضی، تفکری بود که ارجحیت را به خواهان و شاکی می داد. ادعای او، به وی حق می داد که خوانده یا متهم را به دنبال خود بکشاند و تا حدودی بار اثبات بی‌گناهی را بر عهده او قرار می داد. در قانون اور - نمو که مربوط به جامعه سومر است، داوری ایزدی یا اوردالی، به عنوان یکی از طرق تشخیص گناهکاری متهم یا بی‌گناهی او، مورد استفاده قرار می گرفت.

این طریقه بدوی قضاوت بر این تفکر مبتنی بود که خدا یا قوای مافوق طبیعی بر آزمایش‌ها نظارت دارد و بی‌گناهان را از گزند آن‌ها حفظ خواهند کرد، بدین طریق بی‌گناهی آن‌را آشکار

^۱. امیدی، طاهره، تحلیل حق دادرسی عادلانه در پرتو اسناد حقوق بشری با نگاهی به قوانین ایران، فصلنامه

می‌سازد. گذشته از آن استبداد و دیکتاتوری و اجحاف صاحبان قدرت نسبت به مردم، محکومیت‌های بدون رسیدگی و مجازات‌های خودسرانه را به دنبال داشته است. با گسترش تفکرات آزادی خواهانه به تدریج قدرت دولت و حکومت و اعمال آن مقید به رعایت حقوق و آزادی‌های عمومی شده و ستمگران در چارچوب قواعد حقوقی محدود شدند. از همان گذشته کم‌کم مجازات خودسرانه، محکومیت بدون رسیدگی قضایی و ... ممنوع و سازمان‌های عمومی از حالت قدرت مطلق و مصونیت کامل خارج شده و تابع قانون درآمدند و برای آنان نیز همانند افراد مسئولیت‌هایی شناخته شد.

یکی از نخستین نمونه‌های تدوین قوانین که حاوی اشاراتی به حقوق فردی بوده، لوح حمورایی است که توسط شاه سومریان به نام حمورابی، حدود ۴۰۰۰ سال پیش پدید آمد. اگرچه در مقایسه با استانداردهای امروزی ابتدایی محسوب می‌شد، به‌عنوان یک سند الزام‌آور از مردم در برابر اذیت و آزار، و مجازات خودسرانه حمایت می‌کرد.

در اندیشه یونانی قدیم و سنت رومی مضامینی بسیار نزدیک به مفاهیم اخلاقی وجود دارد که مبنای اصول پذیرفته شده امروزی تحت عنوان «دادرسی منصفانه» یا «رعایت آیین قانون» است. مثل وظیفه استماع اظهارات طرفین و فرصت دفاع دادن به متهم، فراهم کردن محاکمه دوباره و ... که در اندیشه یونانی و سنت رومی در زمره حقوق طبیعی افراد به‌شمار می‌آمد، حقوقی که از قانون طبیعی برمی‌آمد. قانون طبیعی مطابق آموخته‌های سقراط و افلاطون «قانونی است که بازنمایی نظم طبیعی جهان به‌ویژه اراده خدایان است که طبیعت را کنترل می‌کند»!

۲- پیشینه دادرسی عادلانه در نظام بین‌المللی

قرن بیستم و عموماً نیمه دوم آن، دوره پیدایش و گسترش چشم‌گیر اسناد بین‌المللی حقوق بشر و نیز نهادهای ناظر و ضامن اجرای این حقوق است. حقوق مربوط به دادرسی عادلانه که از حقوق بشر تلقی می‌شود در این حوزه قابل بررسی است.

۱. خسروی، احمد، جایگاه اصلی دادرسی عادلانه در حل اختلاف مالیاتی، به راهنمایی: دکتر ولی رستمی،

نخستین سند بین‌المللی حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل صادر گردید. یکی از بنیادی‌ترین حقوقی که حق بر دادرسی نیز از آن نتیجه می‌شود، حق آزادی و امنیت شخصی است. این حق بر همه اعلامیه‌های مهم حقوق بشر از منشور کبیر انگلستان (۱۲۱۵) تا اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹) و اعلامیه جهانی حقوق بشر وارد شده است.^۱

اصول حاکم بر روند دادرسی عادلانه

۱- اصل تساوی

حق تساوی افراد در برابر قانون یکی از حقوق اساسی و بنیادین شناخته شده در اسناد جهانی حقوق بشر و قوانین اساسی کشورهاست. بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری مساوی هستند...». در قانون اساسی ایران نیز در فصل سوم با عنوان «حقوق ملت» بر اصل تساوی افراد تأکید شده است. اصل ۱۹ مقرر می‌دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». در حقوق اسلام، فقها در کتاب قضا با عنوان «وجوب تسویه بین الخصمین» می‌گویند: «قاضی باید در سلام گفتن و نشستن و سخن گفتن و توجه به طرفین مساوات را رعایت کرده و به اظهارات طرفین یکسان گوش داده و در صدور حکم عدالت را رعایت کند».^۲

در حقوق دادرسی رعایت اصول مساوات در رفتار با طرفین از ارکان تحقق رسیدگی منصفانه به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر می‌باشد. در حقوق دادرسی منظور از مساوات، رفتار یکسان و برابر مقام رسیدگی‌کننده با طرفین دعوا و منع هر گونه تبعیض ناروا نسبت به

۱. همان

۲. خدیری، پیشین، ص ۷-۵۳۶

آن‌هاست. بنابراین در رسیدگی، قاضی به‌عنوان مقام رسیدگی‌کننده باید نسبت به طرفین رفتار یکسان و برابر داشته، از هر گونه تبعیض ناروا نسبت به یکی از آن‌ها خودداری نماید^۱.

۲- اصل تعادل توافعی (تناظر)

در فرانسه ریشه‌ی اصل تناظر به قاعده لاتین به معنای "Audi alteram partem" «طرف دیگر را بشنو» باز می‌گردد. مبنای تناظر را می‌توان در یک اصل عقلی طبیعی و یک اصل ذاتی دادرسی یافت. اصل تناظر یک قاعده‌ی خاص دادرسی و قضایی در نظام‌هایی است که از ایدئولوژی‌های دموکراتیک الهام می‌گیرند. هر وقت شخص یا نهادی ملزم به اتخاذ تصمیم شود، در اوضاع و احوالی که تصمیم‌گیری او تأثیر مستقیمی بر حقوق و انتظارات مشروع اشخاص داشته باشد، تعهدی ضمنی مبنی بر رعایت اصول عدالت طبیعی بر عهده‌ی او ایجاد می‌گردد که خود مشتمل بر دو قاعده‌ی «طرف دیگر را بشنو» و «هیچ‌کس نمی‌تواند در دعوای خود قاضی باشد» است که ریشه‌ی آن‌ها را در حقوق رم می‌توان پیدا کرد. اصول حقوقی مذکور آن‌چنان طبیعی یا بدیهی می‌باشند که نیازی به مبنای قانونی ندارند و به‌عنوان دو تضمین حقوقی بنیادین، بر تمام تصمیمات قضات یا مقامات حکومتی به‌هنگام اتخاذ تصمیم قضایی یا شبه قضایی، حکومت دارند. این‌که هیچ‌کس نباید بدون شنیدن اظهاراتش محکوم گردد، یکی از اصول عدالت طبیعی است که به‌عنوان نخستین اصل حقوق و اصل جهانی دادگستری توصیف شده است. از این روست که خداوند در قرآن به پیامبرش می‌فرماید: هرگاه خواستی میان نامسلمانان داوری کنی، باید میانه‌روی و مساوات را بین آنان مراعات نمایی (مائده، ۴۲). آیین دادرسی پیامبر (ص) نیز بر پایه یکسان‌نگری میان طرفین دعوی و شکیبایی در شنیدن گفته‌ها و ادله خواهان و خوانده استوار بود^۲.

۳- اصل برائت

^۱. همان، ص ۵۳۷

^۲. قلی‌پور، حسن؛ احمدی، سیدمهدی؛ جعفری مته کلایی، محمدحسن، بررسی اصل تعادل توافعی (تناظر) در ۱۳۹۳ دادرسی قضایی و داوری تجاری بین‌المللی، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۰، شماره ۳۷، ۱۳۹۳

برائت در لغت به معنای پاک شدن از عیب و تهمت، تبرئه شدن، خلاص شدن از فرض و دین، رها شدن، اجازه، حواله، رهایی، خلاصی، بیزاری، دوری، پاکی است.^۱ و اصل برائت در حقوق بدین معنی است که، باید بنا را بر بی‌گناهی افراد گذاشت تا این‌که با رسیدگی صحیح و عادلانه، جرم کسی در یک مجمع صالح قانونی ثابت شود.^۲

اصل برائت به‌طور رسمی اولین بار در سال ۱۷۸۹ میلادی در اعلامیه حقوق بشر فرانسه مطرح شد، که در ماده ۹ این اعلامیه بیان می‌دارد: «افراد تا زمان محکومیت، بی‌گناه به‌شمار می‌آیند» از جمله اسناد معتبری که به اعلام این اصل پرداخته‌اند می‌توان بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۲۶ اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان، بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی، ماده ۷ منشور عربی حقوق بشر،^۳ از ردیف «ب» در بند ۲ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک همگی با عباراتی کم و بیش مشابه به بیان این اصل اختصاص یافته‌اند.

«هم‌چنین در اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است « اصل برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود؛ مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد» بر همین مبنا اصل ۱۶ ق ا دادگاه‌ها را موظف کرده که احکام خود را متعادل و مستند به موارد حکمی و اصولی کنند»^۳.

اصل برائت که می‌توان آن را میراث مشترک حقوقی همه ملل مترقی جهان محسوب کرد در یکی دو قرن اخیر و به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم مورد اقبال و عنایت خاص حقوق‌دانان و قانون‌گذاران در حقوق داخلی کشورها و نیز موضوع اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها در سطح منطقه‌ای و یا بین‌المللی قرار گرفته است. از مطالعات تاریخی چنین برمی‌آید که در گذشته‌های دور و حتی تا یکی دو قرن اخیر، جر در برخی نظام‌های حقوقی (مانند حقوق اسلام) فرض برائت متهمین، لاقفل در پاره‌ای از اتهامات، پذیرفته نبوده و در صورت عدم توانایی شاکی بر

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، کتاب پارسه، ۱۳۸۷

۲. وکیل، امیرساعده؛ عسگری، پوریا، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد،

چاپ دوم، ۱۳۸۷

۳. فخارطوسی، جواد، حقوق متهمان (فقهی - حقوقی)، پژوهش‌گاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۱

ارائه دلیل کافی علیه متهم، اثبات بی‌گناهی بر عهده خود متهم واگذار شده است. این امر خطیر در پاره‌ای از ادوار تاریخی از طریق توسل به اوردالی یا داوری ایزدی که خود ریشه در اعتقادات دوران بت‌پرستی داشت تحقق می‌پذیرفت و قضات بر این باور بودند که ایزدان به کمک متهم بی‌گناه خواهند شنافت و چنین متهمی از آزمون اوردالی رو سپید بیرون خواهد آمد. در ایران باستان داوری ایزدی از طریق توسل به آئین‌نامه‌های سی‌وسه‌گانه که خود به (ورگرم) و (ورسرد) تقسیم می‌شده مرسوم بوده است، در اروپای قرون وسطی نیز، به‌ویژه در عصر فرانک‌ها، اوردالی یکی از ادله اثبات بزه‌کاری یا بی‌گناهی برخی متهمین متداول بوده و متهم که موفق به ارائه دلیل کافی بر بی‌گناهی خود نمی‌شد در مواردی ناگزیر از تن دادن به آزمایش آهن تفته، شیره گیاهان سمی و امثال آن می‌گردید.

۴- علنی بودن

اجرای عدالت کیفری که هدف هر دادرسی جزایی است بدون برقراری محاکمه منصفانه‌ای که در آن حقوق و آزادی‌های متهم، بزه‌دیده و سایر افراد درگیر در فرآیند کیفری محترم شمرده شود، فرصت ظهور نخواهد داشت. علنی بودن دادرسی و صنعتی است که در آن جلسات رسیدگی به اتهام متهم بدون ایجاد مانع بر سر راه حضور افراد عادی و رسانه‌های عمومی تشکیل و اداره می‌شود. این وضعیت امروزه یکی از مؤلفه‌های مهم دادرسی منصفانه و حقی از حقوق بیش‌تر در دعاوی کیفری محسوب می‌شود. عدول از اصل علنی بودن دادرسی، جز در موارد مطرح در قانون که تنها در شرایط دموکراتیک و در نتیجه موازنه منافع و ارزش‌های متعارض تجویز می‌شود، نقض اصول دادرسی منصفانه و نادیده گرفتن حقوق اسلامی افراد تلقی می‌شود. به رغم برخی برداشت‌های اولیه که به‌طور کلی مؤلفه‌های محاکمه منصفانه را حامی حقوق متهم می‌داند، دادرسی علنی متضمن فواید و مصالحی برای جامعه نیز می‌باشد.

بنابراین «حق فردی متهم» و «مصلحت عمومی جامعه» را به صورت توأم باید به عنوان مبانی و موجهات نظری علنی بودن دادرسی کیفری تعریف و تبیین کرد^۱.

علنی بودن محاکمات و صدور قرار غیرعلنی بودن محاکم: گرچه، برابر ماده ۳۵۲ قانون جدید، اصل بر علنی بودن محاکمات بوده، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. با این وجود، به تجویز همان ماده، دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند:

الف- امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.

ب- علنی بودن، محل امنیت عمومی و یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.

قرار مزبور در تعارض با اصل علنی بودن محاکمات یا دادرسی به عنوان یکی از اصول نظام

دادرسی عادلانه بر مبنای موازین حقوق بین‌الملل بشر است.

تشخیص علنی بودن یا نبودن دادگاه بر عهده قاضی رسیدگی کننده است و چنانچه بخواهیم مجازات‌هایمان در خصوص مبارزه با جرایم اقتصادی تأثیرگذار باشد، باید بتوانیم آن را به صورت علنی برگزار کنیم. بنابراین می‌توان گفت که بنا بر اصل ۱۶۵ قانون اساسی محاکمه‌ها باید علنی برگزار شود و در اصل ۱۰۸ قانون اساسی رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی و با حضور هیأت منصفه است.

باید در مقدمات امر دقت بسیاری شود تا فردی بدون جهت در مظن اتهام قرار نگیرد، بنابراین باید دادستان در دادسرا تحقیقات و مستندات را به صورت دقیق جمع‌آوری کند تا در دادگاه پس از صدور کیفرخواست خلاف آن ثابت نشود، اما در هر صورت فعلاً قانون اجازه نمی‌دهد که تا زمانی که حکم قطعی نشده ما آن را اعلام کنیم^۲.

۵- استقلال و بی‌طرفی

^۱. روحانی جنبه سرائی، اصول حاکم بر روند دادرسی منصفانه در حقوق ایران و مصر، چهارمین کنفرانس جهانی و اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی، ۱۳۹۶

^۲. همان

حق بر دادرسی عادلانه از اساسی ترین حقوق بشری به شمار می رود که در دادرسی های جزایی به وسیله چند حق عینی شناخته می شود: مثل حق بر بی گناهی فرض شدن متهم، حق بر دفاع توسط خود فرد یا وکیل، حق بر دادرسی بدون تأخیر و حق بر حمایت در مقابل عطف به ماسبق شدن قوانین جزایی. اما رعایت چنین تضمین هایی در همه پرونده ها و شرایط، دادرسی عادلانه را تضمین نمی کند. حق بر دادرسی عادلانه وسیع تر از مجموعه تضمینات فردی است و به رفتار و عمل تشکیلات دادرسی و دادگاه نیز بستگی دارد. به همین دلیل اصل استقلال و بیطرفی در دادرسی یکی از اصول مهم تضمین حق بر دادرسی عادلانه است. لذا این اصل در همه نظامهای حقوقی جا افتاده و در همه اسناد مهم منطقه ای و جهانی حقوق بشر مورد اشاره قرار گرفته است^۱.

عملکرد دستگاه قضایی و به طور خاص سیستم عدالت کیفری باید از نظر افکار عمومی قابل دفاع باشد. افکار عمومی صرفاً در صورتی به عملکرد دستگاه قضایی اعتماد می کند که شیوه رسیدگی آن منصفانه باشد. دادرسی منصفانه از نظر قلمرو زمانی شامل کلیه مراحل دادرسی از کشف جرم تا اجرای احکام است. اصل «استقلال» و اصل «بی طرفی» دادگاه از اجزای تشکیل دهنده دادرسی منصفانه است. هدف از این دو اصل، جلب اعتماد قاطبه مردم نسبت به دستگاه عدالت کیفری بوده و استقلال به خودی خود وسیله ای برای حفظ بی طرفی است^۲.

لزوم رعایت استقلال و بی طرفی در محاکم داخلی کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است و در قوانین مدون کشورها و نیز رویه قضایی مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال در نظام حقوقی ایران که اصول مختلف قانون اساسی من جمله اصول ۱۵۶، ۱۵۸ و ۱۶۴ به ترتیب به استقلال قوه قضائیه، نحوه گزینش قضات عادل و شایسته، مصونیت قضات و عدم نقل و انتقال قضات اشاره می کنند، بیان کننده استقلال و بی طرفی در سیستم قضایی ایران است. به علاوه در

۱. توحیدی، احمدرضا؛ رشیدی، مهناز، استقلال و بی طرفی رسیدگی های قضایی در نظام کیفری بین المللی،

مجله حقوقی دادگستری، سال هشتم، شماره ۹۵، ۱۳۹۵

۲. قاسمی، احمد، استقلال و بی طرفی مقام قضایی با تکیه بر آراء و اندیشه های امام خمینی (ره)، فصل نامه

علمی پژوهشی متین، شماره ۴۴، ۱۳۸۸

قوانین و مقررات آئین دادرسی مدنی و کیفری هم، به خصوص موارد رد دادرسی و هم چنین ایجاد نهاد دادرسی، علنی بودن دادرسی و تحقیق از گواهان و کارشناسان به مصادیق رعایت این اصل توجه شده است (ماده ۴۶ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ و ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۹ با اصلاحات سال ۱۳۸۱ و مواد ۱۵۱، ۱۹۶ و ۲۱۰ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸، مواد ۳، ۴۲۱ و ... ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۴۷، ۹۱، ۲۳۵، ۲۳۷ و ۲۳۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹).

در قوانین کشورهای دیگر نیز به خاطر رابطه این اصل با حقوق بشر در اصول اساسی کشورها، به اصل استقلال و بی طرفی دستگاه قضایی توجه شده است. برای مثال «اصل ۱۳۸ قانون اساسی الجزایر بیان می‌دارد: قوه قضائیه مستقل است و در چهارچوب قانون عمل می‌کند و به موجب اصل ۱۴۷ قاضی فقط تابع قانون است. هم چنین بر اساس اصل ۷۶ قانون اساسی ژاپن کلیه قضات در صدور رأی خود مستقل و فقط تابع قانون اساسی و سایر قوانین می‌باشد. در بند ۱ اصل ۱۵۱ قانون اساسی بلژیک آمده است که قضات در اعمال اختیارات قضایی خود مستقل می‌باشند. قانون اساسی افغانستان به موجب اصل ۱۱۶ و قانون اساسی عراق نیز به موجب اصل ۴۳ استقلال قوه قضائیه را تضمین می‌کنند»^۱.

نتیجه گیری:

اگرچه دادرسی عادلانه و تضمینات قضایی کم و بیش از دیرباز در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف پیش‌بینی شده است اما در پی گسترش حقوق بشر و تأکید بر ارتقاء و تضمین انواع حقوق بشر، پیش‌بینی و رعایت دادرسی عادلانه به عنوان حقوق بشری مورد تأکید مجدد قرار گرفت و بعد از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ در اسناد مختلف جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به رسمیت شناخته شد و دولت‌ها متعهد گردیدند اجرای آن را تضمین نمایند. بدین ترتیب تضمین حق بر دادرسی عادلانه در نظام‌های حقوقی داخلی و هم چنین از طریق مکانیزم‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. زمانی می‌توان ادعا نمود

^۱. توحیدی، رشیدی، پیشین، ص ۱۷



حق دادرسی عادلانه تضمین شده است که قوانین مختلف داخلی اصول مختلف دادرسی عادلانه از جمله استقلال دادگاهها و قضات و بی طرفی آنها، علنی بودن جلسات رسیدگی، دسترسی برابر همگان به مراجع قضایی ذی صلاح، اصل برائت، حق دفاع، تفهیم اتهام، حق اخذ وکیل و حق بر خدمات حقوقی و مترجم رایگان و ... را مورد شناسایی قرار داده و اجرای آنها را تضمین کنند. رعایت اصول دادرسی عادلانه هم چنین مستلزم این است که بازجویی و فرآیند دادرسی پرونده‌های موجود با رعایت حقوق مضمون و قربانی صورت گیرد. کنترل و نظارت بر اقدامات دادسرا زمینه را برای اجرای واقعی و مؤثر اصول دادرسی عادلانه فراهم خواهد کرد و سبب تقویت باور برابری همگان در مقابل قانون خواهد شد، زیرا در نتیجه چنین نظارتی است که می‌توان انتظار داشت تخلفات انضباطی دادستان‌ها یا قضات یا دیگر اشخاص ذی‌ربط بر اساس مقررات قانونی مورد رسیدگی قرار گیرد^۱.

منابع و ماخذ:

- قرآن کریم.
- امید، طاهره، تحلیل حق دادرسی عادلانه در پرتو اسناد حقوق بشری با نگاهی به قوانین ایران، فصلنامه مطالعات حقوق، شماره پنجم، زمستان ۱۳۹۵، صص ۴۰-۲۳
- بهادری جهرمی، علی؛ حسینی، سیده لطیفه (۱۳۹۳)، اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوقی داخلی، دو فصل نامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره هفتم.
- توحیدی، احمدرضا؛ رشیدی، مهناز (۱۳۹۵)، استقلال و بی طرفی رسیدگی‌های قضایی در نظام کیفری بین‌المللی، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتم، شماره ۹۵.
- خسروی، احمد (۱۳۸۸)، جایگاه اصلی دادرسی عادلانه در حل اختلاف مالیاتی، به راهنمایی: دکتر ولی رستمی، پایان‌نامه ارشد حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی.

^۱. بهادری جهرمی، علی؛ حسینی، سیده لطیفه (۱۳۹۳)، اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوقی داخلی، دو فصل نامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره هفتم

- خدری، صالح (۱۳۹۴) دادرسی منصفانه در داوری تجاری بین المللی، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲.
- روحانی جنبه سرائی، (۱۳۹۶)، اصول حاکم بر روند دادرسی منصفانه در حقوق ایران و مصر، چهارمین کنفرانس جهانی و اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی.
- سلیمانی، بابک (۱۳۹۴)، دادرسی عادلانه، دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق.
- فضا ئلی، مصطفی، جایگاه و اصول دادرسی عادلانه در حقوق بشر و دکترین قضایی اسلام، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۳
- فخارطوسی، جواد (۱۳۹۱)، حقوق متهمان (فقهی - حقوقی)، پژوهش‌گاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
- قاسمی، احمد (۱۳۸۸)، استقلال و بی‌طرفی مقام قضایی با تکیه بر آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، فصل‌نامه علمی پژوهشی متین، شماره ۴۴.
- گفلی‌پور، حسن؛ احمدی، سیدمهدی؛ جعفری مته کلایی، محمدحسن (۱۳۹۳)، بررسی اصل تعادل ترافعی (تناظر) در دادرسی قضایی و داوری تجاری بین‌المللی، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۰، شماره ۳۷.
- معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی، تهران، کتاب پارسه.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۳۸۵)، فقه القضا، منشورات مکتبه امیرالمومنین، چاپ اول، قم.
- مهرعلیان، اردشیر (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی دادرسی منصفانه و عادلانه طبق استانداردهای بین‌المللی و ملی، دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۱۶)، جواهرالکلام، ج ۴۰، دارالکتب الاسلامی.

– وکیل، امیرساعد؛ عسگری، پوریا (۱۳۸۷)، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم.

